

## بررسی «شهروند» از نمایش آسیب‌های اجتماعی در رسانه‌های تصویری

## سکانس‌های رنج



مینا مهری می‌دود و جیب می‌زند، می‌سوزد و در یک لحظه تمام زندگی‌اش از بین می‌رود. تسلیم آرزوها و رویاهایش با یک شیشه اسید دود می‌شود و می‌رود هوا. سوختنی که آتشش یک عمر بر زندگی‌اش شعله می‌کشد و فردایش را خاکستر می‌کند. خاکستری که می‌نشیند روی خواسته‌هایش، همه آنچه می‌خواسته در زندگی انجام دهد از خواندن بگیر تا کار کردن و نوشتن. این یک سکانس از زندگی مریم «لاتوری» است. آخرین ساخته رضا درمیشیان. فیلمی که با محدودیت سنی بالای ۱۶ سال به نمایش درآمد و این محدودیت در پوستر و تبلیغات این فیلم با عنوان «توصیه» به تماشاگران تذکر داده شده است که دیدن آن برای افراد زیر سن توصیه شده مناسب نیست. «لاتوری» داستانی عاشقانه دارد که در آن باران کوثری، نوید محمدرزاده، مهدی کوشکی و بهرام افشاری نقش اعضای گروه «لاتوری» را ایفا کرده‌اند؛ گروهی خلافکار که در نهایت یکی از آنها اسیدپاشی انجام می‌دهد و روایتی شبیه به یکی از اسیدپاشی‌های معروف کشور رقم می‌خورد. «اسیدپاشی» یکی از تلخ‌ترین آسیب‌هایی است که این سال‌ها زهرش را به صورت جامعه پاشیده. سوختنی که نه تنها زندگی فرد را از بین می‌برد، بلکه آتش به جان زندگی نزدیکان قربانی هم می‌افتد و درازای این بخشش دیگری قاصص.

## نمایش عریان خشونت

«لاتوری» نخستین فیلم ساخته شده در خصوص آسیب‌های اجتماعی نیست و آخرین آن هم نخواهد بود اما شاید بزرگترین وجه تمایز این فیلم با آنچه تا پیش از این در سینما برای بیان و روایت چنین موضوعاتی مطرح بوده، فرم بیانی و شکل نمایش «لاتوری» از موضوع مورد بحث است. فرمی که به صورت خیلی شفاف در مورد «اسیدپاشی» صحبت کرده و حتی صحنه‌هایی را نشان می‌دهد که شاید دیدن آن برای بسیاری از بینندگان خوشایند نباشد و آنها را این مدل نشان دادن موضوع فاجع‌گیر کند. همین تفاوت نگاه سازندگان «لاتوری»

در خصوص نشان دادن صحنه‌های دلخراش اسیدپاشی سبب شد عده‌ای به این فرم روایی فیلم اعتراض کنند که تا این اندازه بی‌پرده نشان دادن صحنه‌های رقت‌انگیز و خشن اثر مخربی روی مخاطبانش دارد و روحیه اجتماعی را مورد خدشه قرار می‌دهد، حتی ممکن است به ترویج خشونت در جامعه دامن بزند. آنها عقیده دارند برای بیان آسیب یا معضلی در قالب نمایشی باید چارچوب‌هایی در نظر گرفت یا این که برای صحبت از آنچه بر سر قربانی رفته می‌توان از نشانه‌هایی استفاده کرد که هم مفهوم را به بیننده منتقل کند و هم این که با نشان دادن صحنه‌های عریان خشونت خیلی روحیه او را مورد هدف قرار ندهد. مشابه آنچه در فیلم «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» اتفاق می‌افتد. داستان فیلم «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» برگرفته از آسیب اجتماعی کودک‌آزاری جنسی است. به نوعی که کارگردان در فیلم نشان

می‌دهد کودکان چه در خانواده پولدار یا فقیر و چه از خانواده بافرهنگ یا سطح پایین فرهنگی در معرض آسیب اجتماعی کودک‌آزاری قرار دارند که در نگاه واقعی می‌توان به پرونده‌هایی مانند «عقرب سباه» و «بیجه» اشاره کرد. در طول فیلم شاهد هستیم فردی به نام «هراد» ۳۲ساله شاگرد مغازه لباس عروس فروشی است و صاحب مغازه که زنی علاقه‌مند به کسب‌وکارش است بدون توجه به خواسته‌های دخترک ۸ساله‌اش (شیرین) او را همبازی «هراد» می‌کند تا جایی که در یک سکانس به مراد می‌گوید: شیرین را خانه ببر تا من پیامم حضور مراد تنها با دخترک ۸ساله در خانه آغاز تولد افکار بیمارگونه مراد است تا به آزار و اذیت دخترک پرداخته و از وی سوءاستفاده جنسی کند. این سکانس‌های فیلم بخشی از خاطرات بازگو نشده دخترک بعد از ۲۰سال در جریان بازپرسی است. شیرین که در کودکی مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته

در شب عروسی متوجه آزار و اذیت جنسی یک سرایدار با دختربرچه همسایه می‌شود و همین صحنه عروس را وادار می‌کند تا دست به جنایت زده و سرایدار را به قتل برساند. هرچند در ابتدا گمان می‌رفت به واسطه حساسیتی که پیرامون مضمون و محتوای آخرین ساخته پوران درخشنده وجود دارد، ممیزی‌های پی‌درپی بر این فیلم وارد شود اما روشی که درخشنده در پردازش غیرمستقیم به بخش‌هایی از روایت فاجعه‌باری که دستمایه ساخت این اثر شده به کار گرفت سبب شد «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» از گزند توقیف یا کسب‌وکارها بر سر کیفیت اکرائش دور شود و بی‌حاشیه رنگ پرده سینما را به خود ببیند. موضوعی که به دلیل صحنه‌های خشن تر و بیان صریح «لاتوری» گمان آن می‌رفت برای فیلم حاشیه‌ساز شود. نمایش آزادانه آسیب‌ها در رسانه‌ها نگاه دومی که در مورد ساخت فیلم پیرامون

را تماشا کنند و یک نوع همدار به تماشاگران و این که اگر خانواده‌ها می‌خواهند به تماشای فیلمی بروند بدانند این فیلم چه صحنه‌هایی دارد. موسوی درباره تأثیر این مسأله در فروش فیلم‌ها نیز گفته بود: شاید اعمال رده‌بندی یک کنجکاو در تماشاگران ایجاد کند و به دنبال آن باشند که چرا یک فیلم دارای رده‌بندی سنی شده اما واقعیت این است که وزارت ارشاد هرگز به دنبال این نیست که از این حربه برای فروش بیشتر فیلم‌ها استفاده کند، بلکه هدف فقط بستر دادن است و به نوعی از نگرانی وزارت ارشاد برای خانواده‌ها ناشی می‌شود تا زمانی که همراه با کودکان خود به سینما می‌روند، گلایه نکنند که چرا با کودک خود به تماشای این فیلم نشستند. حتی اگر یک بیننده بدون رعایت رده‌بندی سنی به تماشای فیلمی بنشیند حداقل از قبل این آمادگی ذهنی را دارد که با چه فیلمی روبرو می‌شود، مثلاً اگر فرد زیر ۱۶سال به تماشای فیلمی برود که برای او ممنوع شده؛ قطعاً با آمادگی بیشتری به تماشای فیلم می‌نشیند و بعد از تماشای فیلم نیز نمی‌تواند گلایه کند. مثلاً امروز فیلم «لاتوری» به کارگردانی رضا درمیشیان که با شرط زیر ۱۶سال اکران شده، فروش خوبی دارد اما اکثر مخاطبان آن افراد ۱۸سال تا ۳۰سال هستند، البته احتمال دارد چند نفر از افراد زیر ۱۶سال هم به تماشای فیلم بنشینند اما بعد نمی‌توانند بگویند که چرا درباره محتوای فیلم به آنها هشدار داده نشده بود. حالا با توجه به اکران این روزهای «لاتوری» می‌شود که شیوه صحیح بیان مسائل از سالن‌های سینما بیرون می‌آیند، درحالی که به شدت تحت تأثیر این فیلم و صحنه‌های دلخراشش قرار گرفته‌اند، بار دیگر این سوال مطرح می‌شود که شیوه صحیح بیان مسائل آسیب‌های اجتماعی در مدیومی مانند سینما چیست؟ آیا چنین فیلم‌هایی بنابر نظریه اول اثرات منفی در روحیه افراد جامعه دارد یا چنین فیلم‌هایی به آگاه‌سازی بیشتر جامعه کمک کرده و بنابراین ساخت آنها لازم است؟ اصلاً آیا چنین مترمعیاری را برای رسانه، به‌خصوص سینما می‌توان در نظر گرفت؟

## اثرات مخرب دیدن صحنه‌های وحشتناک روی روان افراد

بهنام وحیدی | روانپزشک |

تماشای فیلم‌های وحشتناک موجب پدید آمدن هیجان شده و هیجان حاصل از آن موجب ساز مغزی آدم‌های شود تا به نوعی بتوانند خودشان را به سرحالی وادار کنند. در چنین حالتی برخی بعد از دیدن این فیلم‌ها به سرزندگی و سرحالی می‌رسند اما بعضی بعد از این که به سرحالی و سرزندگی اولی می‌رسند، در طولانی مدت دچار آثار ویرانگر این فیلم‌ها می‌شوند. در چنین حالتی افراد دچار کلاوس‌ترها می‌شوند و هر اس‌های روزمره می‌شوند و حالات هیجانی آن‌هاست که ترس در زندگی آنها دیده می‌شود و دچار اضطراب‌های ویرانگر می‌شوند. این موضوع باید برای مسئولان کشور از لحاظ فرهنگی و اجتماعی رنگ خطر و هشدار باشد که ممکن است افراد در پی تماشای طولانی مدت این فیلم‌ها سلامت روحی و روانی خود را دست‌بدهند. از حالت نرمال خارج شوند و دست به کاری بزنند که می‌تواند بار روانی سنگینی را برای مردم جامعه به همراه داشته باشد. همیشه زائر وحشت‌زده‌ها را در کنار خودشان می‌بینیم که این موضوع چنین شایع شده، موجب نگرانی می‌شود. در چنین حالتی مدیریت نوبتی بر فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه لازم است تا جامعه را از تبعات احتمالی سنگینی که تماشای این فیلم‌ها می‌تواند بر پی داشته باشد، ایمن نگه‌دارد.

## محدودیت‌های سنی را جدی بگیریم

ایلا شعبانی | جامعه‌شناس |

موضوع اصلی که در خصوص نشان دادن صحنه‌های خشن و آسیب‌ها وجود دارد، الزام به رعایت کردن موضوع شرایط سنی برای مخاطبان است، زیرا در میان مصرف‌کنندگان رسانه از همه آسیب‌پذیرتر نوجوانان هستند. نوجوانان با توجه به ویژگی‌های انی (Animism) تخیل قوی با ژرفایی نظیر، تأثیری عمیق را تجربه می‌کنند. ممکن است با قهرمان داستان زندگی کنند، او را الگوی عمل قرار دهند، حتی در خواب او را ببینند. در تأثیر ژرفایی رسانه‌ها بر کودک و نوجوانان بیش از همه تبعات بر خورد با رسانه را تحمل می‌کنند. ترس، اضطراب، دلهره، نگرانی و... بیش از همه تحت تأثیر خشونت رسانه‌ای (Media violence) قرار می‌گیرند. به‌منظور فریدمن و اتوبلینگ، تأثیر تصاویر خشن روی اطفال که حالت تهاجمی دارند و دارای احساس حقیقت هستند، به‌صورتی که قادر است جبران‌کننده و تخلیه‌کننده آن حال و احساس باشد. بنابراین چنین کودکی با مشاهده فیلم‌های خشن و رفتار پر خاشاک‌تر از قید آنها راهی می‌یابد و احساس آرامش می‌کند. نظریه برجستگی جنایت در رسانه‌ها برای نوجوانان و جوانان بسیار معروف است. اکثر اندیشمندان معتقدند، برای نوجوانان و جوانان خشونت رسانه‌ای پدیده‌ای عادی و بی‌اهمیت نیست، بلکه برجستگی دارد؛ مخصوصاً زمانی که زمینه‌های پیشین نیز موجود باشد.

## نمایش آسیب‌های اجتماعی در رسانه‌ها باید شفاف باشد

مصطفی تبریزی | روانشناس اجتماعی |

سایر رسانه‌ها و غیره) با این موضوع درگیر شده باشد، بنابراین از حیث مطرح کردن موضوع مشکلی نیست. حالاً می‌ماند که چگونه نشان دادن این موضوع و اثری که روی مخاطب می‌گذارد، حقیقت آن است دیدن چنین صحنه‌هایی برای افرادی که روحیه حساسی دارند یا به نحوی سریع از مسائل مختلف تأثیر می‌پذیرند، مناسب نیست و می‌تواند اثرات سو و مخربی بر روحیه افراد داشته باشد که راهکار این موضوع هم اهمیت دادن به رده‌بندی سنی فیلم‌ها، هم برای سازندگان و هم برای مخاطبان فیلم‌هاست. اگر هر فیلمی که با موضوعی برای عموم مخاطبان نمایش داده می‌شود، نشان از ضعف مدیریت است. اولاً نتوانستیم برای هر موضوعی فیلم‌های مختلفی با درجه‌های متفاوت از خشونت بسازیم که هر فرد بنابر آستانه تحملش بتواند فیلم مناسب را انتخاب کند و نکته دوم هم این است که برای گروه‌های سنی مختلف نتوانستیم فیلم‌های مناسب تهیه کنیم. خیلی از وقت‌ها مخاطب برای دیدن یک معضل در قالب نمایشی گزینه‌های مختلفی ندارد. در حوزه اجتماعی بنابر مطالعات و مشاهدات، انکار و مخفی کردن آسیب‌ها تنها دردی را دوا نمی‌کند، بلکه باعث نادیده گرفتن آن موضوع می‌شود و طبعاً راهکار مناسبی برای حل معضلات هم پیدا نمی‌شود. مردم ما روحیه لطیفی دارند و این قابل انکار نیست اما این موضوع دلیل خوبی برای نادیده گرفتن معضلات نیست. اسیدپاش‌ها، قاتلان، سارقان و تمامی مجرماتی که آنها را چشم‌کسانی می‌شناسیم که به جامعه آسیب می‌زنند، افرادی هستند که از دل همین جامعه حساس برآمده و رشد کرده‌اند. بنابراین نشان دادن این فیلم‌ها به مردم در چه از تلخی و خشونت هر چقدر هم که ناخوشایند باشند، در صد درصدی از تلخی آنچه این آسیب‌ها بر سر افراد می‌آورد، از ماجراهای بعدی و اتصالات ناخوشایند بیشتری جلوگیری کرد.

در مورد این که پیرامون آسیب‌های اجتماعی به صورت شفاف و عریان نگاه کنیم و حرف بزنیم، سال‌هاست دوتکه متفاوت در کل دنیا وجود دارد. یکی این است که ما مسائل اجتماعی را نباید خیلی باز کنیم، چون ممکن است روح اجتماعی صدمه ببیند و روحیات جامعه دچار آسیب شود و در مقابل هم نگاه دیگری وجود دارد که معتقد است این مسأله موجب آموزش جامعه می‌شود. بنابر دیدگاه دوم حتی اگر ما معضلات و آسیب‌ها را نشان ندهیم، از منابع دیگر هم این اطلاعات به دست افراد جامعه می‌رسد و انکار آن راه رستی نیست. من فکر می‌کنم نشان دادن اتفاقات مجرمانه تعمیمی از فرض دوم است. ما باید در ابتدا تکلیف‌مان را با خودمان مشخص کنیم که نگاهمان برای اداره جامعه با کدام عقیده همراهی و جامعه ما کدام راهکار کاربرد بیشتری دارد. به‌طور مثال در حوزه مواد مخدر سال‌هاست این بحث را داریم و هنوز نمی‌دانیم یا چه حد می‌خواهیم در مورد آن صحبت با مردم صحبت کنیم. نقطه ضعف ما در کشور از همین جایی است می‌گیرد که مسئولان حوزه آسیب‌ها و عموم جامعه هنوز نمی‌دانند که چه می‌خواهند و از طرفی حوصله صرف زمان زیادی برای رصد آسیب‌های اجتماعی را هم ندارند. برای همین وقتی جامعه به حالت هشدار درمی‌آید تا به فکر بیان طرح مسأله می‌آیند که خود این موضوع حساسیت‌برانگیز است. به‌طور مثال الان حوزه اعتیاد و زنان سرپرست خانوار حوزه‌هایی هستند که کم‌کم از حالت کنترل خارج می‌شوند و مجبوریم حرف‌های مرتبط به آن را با صدا بلند بیان کنیم که خود این ماجرا بلندگویی معضلات طبعاً حساسیت‌زایی می‌شود.

باید در نظر داشت حذف نشانه‌ها کمکی به حل موضوع نمی‌کند و این طور نیست که اگر موضوعی نشان داده نشود، حساسیت‌ها نسبت به آن از بین می‌رود. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که منابع کسب اطلاعات متفاوت هستند و تنها یک رسانه وظیفه آگاهی‌رساندن به مردم را ندارد، بنابراین در چنین شرایطی حذف معضلی از یک رسانه مانند سینما کمکی به شرایط نمی‌کند. موضوع نشان دادن آسیب‌های اجتماعی در رسانه‌ها بحثی است که مردم خیلی در آن دخیل نیستند و تصمیم‌گیری این موضوع برعهده مسئولان است که با توجه به شرایط جامعه برای آن تصمیم بگیرند.

من موافق مدیریت این ماجرا هستم و معتقدم حذف راهکار نیست ولی شدت و حد آن را می‌توان بنابر شرایط اجتماعی مدیریت کرد. در سرهای خانوادگی هم اوضاع به همین منوال است. چندسال پیش موضوع خیانت، بحث داغ رسانه‌ها شده بود و برای آن فیلم‌ها و سریال‌های زیادی ساخته، همان موقع هم این بحث‌ها مطرح می‌شد که با نشان دادن موضوع خیانت و مطرح شدن بحث متزلزل شدن از دواج‌ها به‌طور مستقیم بنیان خانواده را مورد هدف قرار دادیم و هرچه بیشتر به این مشکل دامن می‌زنیم، اما واقعیت این است که وقتی فیلم‌سازی فیلم اجتماعی می‌سازد حتماً آن قدر برای آن مصداق دیده که خواسته آنها را در فیلمش نمایش دهد، بنابراین در چنین شرایطی اتفاقاً ساخته شدن چنین فیلمی به سود جامعه است. اگر فیلمی مانند «لاتوری» ساخته می‌شود از دل مشکلاتی است که برای یک جامعه اتفاق افتاده و بازتابی از اتفاقاتی است که رخ داده. مردمی که می‌توانند «لاتوری» را در سینما ببینند، شهروندانی هستند که ممکن است هر کدامشان در اطراف خود فردی را ببینند که دچار اسیدپاشی شده یا به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق



پوران درخشنده | فیلمساز